



قرار می‌گیرد. به نوعی دوربین نگاه مخاطب و پنجره خنثی است که مخاطب را هم لول و هم سطح با اثر در چالش قرار می‌دهد. به همین خاطر از حرکت های جهشی، تکنیکی و خاص فیلمبرداری در این اثر خبری نیست. دکتر الستی که دکترین سینما در آمریکا هستند با دیدن این فیلم گفته بود، دوربین کاری کرد که من خودم را یکی از همین کاراکترها و در میانه آنها می‌دیدم. من در این اثر از لنز نرمال استفاده کردم تا همین حس همذات پنداری با شخصیت ها در کار حاصل شود.

با توجه به اینکه مهاجران دارای لوکیشن های متعدد در فضاهای خاص بوده است، پروسه فیلمبرداری این اثر با چه سختی هایی مواجه بود؟

فیلمبرداری این اثر بسیار سخت بود و سختی بیشتر به این خاطر بود که با اینکه من فیلمنامه اثر را خوانده بودم اما در مواجه با آنچه که در حال تصویربرداری از آن بودم متحیر بودم، دنیای اثر برایم ناشناخته بود. البته مقداری از این مسئله هم به این برمی گشت که تصاویر رج زده شده بود و مثلا باید اول فیلم را با آخر فیلم یک جابجایی می کردیم. بهر حال همین پیچیدگی در پیچیدگی های خود روایت فیلم مرا بسیار متحیر می کرد و باعث می شد که شرایط برایم گاهی غیر قابل درک و هضم شود. سختی های دیگر فیلم هم همان کار در کوهستان گرم، کوهستان برفی، جنگل، دریا و ... بود که هر کدام نورپردازی خاص به خود را می طلبید و تجهیزات سنگینی که در تعدد لوکیشن ها دانهادر حال حمل و نقل آن بودیم. طوری که گویا با مضمون فیلم که مهاجرت بود یکدست شده بودیم.

از تجربه و تاثیری که فیلم مهاجران برای شما داشته بگوئید؟

این فیلم اثر خاصی بود و حتما برای اهالی هنر اثری قابل تامل و نکته مند است. مهاجران مانند اجرای یک ارکستر سمفونیک می ماند که کارگردان در طول کار مانند یک رهبر ارکستر آن را هدایت می کرد. تادر نهایت نوبی منحصر بفر د را به اجرا در بیاورد.

صحبت پایانی:

مسعود احمدی کارگردان خاصی است و کار کردن با او برای همه گروه تجربه تازه ای بود. او دست همه عوامل را برای خلاقیت های فردی باز می گذاشت. ۱۵ سال همکاری مشترک با مسعود داشتم و با شناختی که از دنیای ذهنی اش داشتم سعی کردم همه و همه را در نگاه دوربینی خودم لحاظ کنم و در خوانش تصویری با او هم کلام شوم. اما وقتی به ضبط و سر صحنه فیلمبرداری رسیدیم احساس کردم تفاوت هایی میان نگاه من و مسعود است. مسعود با درک این شرایط به من این اجازه داد که خوانش تصویری خودم را دنبال کنم و این مسئله برای من بسیار پراهمیت بود. امیدوارم تمام دوستان هنرمند در کار فیلمبرداری این اتفاق خوب را تجربه کنند و با کارگردانی همکار شوند که دست آنها را در کادر بستن و نوع نماها باز بگذارند، قطعاً این اتفاق هم کارگردان و هم فیلمبردار و هم محصول سود خواهند برد.

با توجه به اینکه تولید این فیلم یک تجربه خاص و نامتعارف در سینمای ایران است، ترس از شکست فیلم را نداشتید؟

مطمئن بودم فیلم شکست نمی خورد. این فیلم در ابتدا قرار بود یک اثر نمایشی باشد، به همین خاطر بخش اعظم این فیلم در تمرین های تئاتری آن شکل گرفت. در طول تمرین، ما به چشم پتانسیل این اثر را برای سینمایی شدن شاهد بودیم. در واقع وقتی ما تصمیم گرفتیم این اثر را در قاب سینمایی ارائه دهیم همه چیز آن آماده بود از عوامل بازیگران گرفته تا فرم و حرکت و این آمادگی در تسریع جریان فیلم شدن این اثر بسیار کمک کرد.

باز خورد از اکران فیلم را چگونه ارزیابی کرده اید؟

در شیراز دو سانس اکران داشتیم، که هر دو سانس با سالن پر مواجه شد. در تهران هم مخاطبان خاص هنر و تجربه پس از دیدن فیلم معتقد بودند که این فیلم با توجه به موضوع سینمای هنر و تجربه کاملا راضی شان کرده است و از تماشای اثر به عنوان یک تجربه جدید در جریان سینمایی ایران لذت بردند. از نظر خود بنده هم فارغ از اینکه مهاجران اثر خوب یا بدی است، معتقدم که این فیلم متفاوت است.

از چه نوع موسیقی ایی در اثر استفاده کرده اید؟

موسیقی این کار بیشتر در جهت فضا سازی و به شکل اتمسفری است.

صحبت پایانی:

ساخت و تولید این فیلم برای دیگران عجیب و افسانه و برای ما یادآور روزگاری است که هنرمندان بدون چشم داشت مالی و حتی شهرت هنری کنار هم همدلان جمع می شدند و اثر را به نیت پدید آوردن خود اثر می دانستند. عوامل این فیلم بدون هیچ دستمزدی پای کار آمدند. این مدل فیلم سازی تا اواخر دهه ۷۰ ادامه داشت و پس از آن جای خالی آن بسیار احساس می شد. مهاجران محصول همین همدلی و همکاری گروهی است و خوشبختانه با همین گروه تجربه هایی زیادی نیز در نمایش و ... داشته ایم و در آینده هم در کنار هم آثار دیگر را تولید خواهیم کرد. اعضای این گروه مانند خود بنده، منبع درآمدشان از مشاغل دیگری است که اتفاقاً درآمد حاصل از آن را در هنر هزینه می کنند. اتفاق خوبی که در این فیلم افتاد این بود که ما در شهرستان این اثر را تولید کردیم و روانه سینمای ایران کردیم. به نظرم برای کار کردن در حوزه سینما و هنر لازم نیست که هنرمندان به تهران کوچ کنند. اثر را می توان در هر جای ایران تولید کرد و به نمایش گذاشت. سینما و هنر چاه نفت نیست، می تواند در هر شهری شکل بگیرد و به شهر و منطقه ای خاص محدود نشود.

هاشم بیطرف:

نگاه دوربین به فضای فیلم خنثی است

نگاه دوربینی شما به موضوع این فیلم چگونه بود؟

این اثر فرم های اصلی خود را در بدن و فرم بازیگران یافته بود. دوربین در این اثر از زاویه دیدی بیطرفانه و خنثی وارد فضا می شود و مانند یکی از همان ۱۵ شخصیت در حلقه جریان و رویداد

مسعود احمدی:

برای هنرمند شدن کوچ نکنید!

سبک و ژانر این فیلم را در چه مدل سینمایی دیده اید؟

سبک فیلم تلفیقی از سوررئال و ناتورالیسم است. در گونه ژانر هم نمی توان این فیلم را در ژانر خاصی دسته بندی کرد.

دیدن این فیلم مخاطب را به یساد چه فیلمهای در تاریخ سینمای اندازد؟

در فستیوالی که در سوئیس برگزار شده بود، عده ای از منتقدین گفتند که با دیدن فیلم به یاد فیلم های از آندره تارکوفسکی و فلینی افتادند، اما از نظر حسی خودم بیشتر حس و حال فیلم های پازولینی را در این فیلم می بینم. شاید از نظر مفهومی و مضمونی نیز ما را به یاد فیلم چشم اندازی در مه اثر تئو آنجلوپولوس بیندازد.

از آثاری در تاریخ سینمای جهان نام بردید که مهمترین مولفه اشان فضا سازی بدیع است...

بله، به همین خاطر دقیقا یکی از سختی های تولید فیلم انتخاب لوکیشن های سخت، خاص و متفاوت از هم بود. این فیلم در ۱۰ لوکیشن کاملا متفاوت از نظر فضایی و اقلیمی فیلمبرداری شده است. این فیلم دیالوگ ندارد. آیا بازیگران فیلم، گریم خاصی داشتند که معرف روایت شان باشد؟

خیر، اتفاقا بسیار ساده هستند. شخصیت ها نه طراحی گریم و نه طراحی لباسی خاصی داشتند. شخصیت ها واقعی و به شدت ملموس هستند.

رویدادهای فیلم به مثابه روابط علی و معلولی است یا نظر تان بر روایتگری پاره پاره بوده است؟

این فیلم کاملا جدا از سبک سینمای کلاسیک و قصه گوست. در واقع محملی از جریان رویدادهایی پراکنده است.

با این حساب این فیلم را شاید بتوان در رسته سینمای هنری، شاعرانه و یا روایت پارامتری دسته بندی کرد، روایتی که قصه گو نیست و بر پایه رویداد و تجربه پیش می رود؟

بله، موافقم. فیلم جریانی مشترک از مضمون مهاجرت را به صورت پراکنده در اثر به تصویر کشیده است. جریانی که به تناسب هر شخصیت، حال و هوای متفاوتی را از یک موضوع نشان می دهد.

با چه رویکردی به این سبک در سینمای ایران پرداختید؟

معتقدم در هنر باید متفاوت از جریانی که رایج است، حرکت کنیم. در تجربه های قبلی خود نیز به دنبال سبک هایی بودم که گاه با اصلا پرداخت نشده و یا خیلی کم به آن ها بها داده شده است. سینمای ایران پر از آثار کمودی و اجتماعی شده است! برای من سینما نمی تواند به این دو سبک محدود شود. اینکه فیلمی ساخته ام در ۸۵ دقیقه بدون دیالوگ! هدفم این بود که تصویر را در مقابل حرف زدن بگذارم و دنیایی را نشان دهم که در آن کلامی نیست و همه چیز در قالب تصویر روایت می شود.

ما به ازای کلام در فیلم مهاجران، چه عنصری بوده است؟ مخاطب از حرکات و فرم فیلم می تواند جریان را دنبال کند.